

استراتژی مسلمانان برای تغییر دین مسیحیان غربی

قفس را بسوزان

کیش گردانی در اروپا و ایالات متحده از مسیحیت به اسلام در بسیاری از کشورهای غربی موضوع بحث و جدل شده است. عالمان دینی از همه مهاجران مسلمان خواسته‌اند در دعوت غیرمسلمانان به دین اسلام مشارکت کنند. در حقیقت فراخوان مهاجران مسلمان برای وارد کردن مسیحیان به دین جدید در نوشته‌های اسلامی معاصر، نه تنها در کتاب‌ها، بلکه در سخنرانی‌ها و موعظه‌ها و سایر منابع اسلامی مسئله اصلی و محوری است.

نگاه نو در سینمای مستند

سینمای مستند امروز در جهان با گذشته تفاوت‌های بسیار کرده است. نظریه‌ها و نگره‌های تازه‌ای در زمینه سینمای مستند رشد کرده که تعاریف کلاسیک را با تغییرات فراوان روبه‌رو کرده است. سینمای مستند ایران نیز از این نگاه دور نمانده است. نسل سوم سینمای مستند که این روزها به این حرفه در سینما مشغول هستند می‌کوشند نگاه‌های تازه جهانی را در داخل کشور نیز در منصفه آزمون و خطا قرار دهند.

نقد فیلم

چارلی

و کارخانه شکلات‌سازی

... کژاندهشان بدکار،
که بنده هوس‌اند و از راستی روگردانند،
از پاکان بیزارند و ارجمندان را خوار می‌دارند،
هرچند که با خود نیز در کشمکش و ستیزند
کیست آن سرور پارسایی که
با دل و جان و آنچه‌ان که خود می‌خواهد،

با چنین بدکارانی بستیزد؟
ای خدا،
با شهریاری مینویی توست که
وارستگی‌ای که به درستی زندگی می‌کنند
از بهترین پادشاه‌ها برخوردار می‌گردند...
گات‌ها - پاره‌ای از سرود هفدهم



۲ نگاه به فیلم «تاکسی نارنجی» به کارگردانی ابراهیم احمدزاده

تماشای نمایش روح‌حوضی در جزیره

گفت‌وگو با مداح اهل بیت حاج نزار القطری

بچه‌ها در مجلس امام حسین (ع) مظلوم‌اند

دارم که باید کاری برای کودکان و نوجوانان کرد. بزرگسالان در دانشگاه امام حسین (ع) (عزاداری آن بزرگوار) تربیت شده‌اند. باید کاری برای بچه‌ها کرد که خواه ناخواه مخاطب مظلوم ماهواره‌های آنچنانی غربی هستند.

■ آیا این طرح را با مسئولین ایرانی نیز در میان گذاشته‌اید؟

بله در همین مورد با یکی از مقامات صحبت کردم و قرار شد به ما کمک کند.

■ به خودتان برگردیم.

چیز خاصی نیست. ازدواج کردم و ۳ فرزند دارم؛ کوثر، حسین و علی

■ مقصودم زندگی خانوادگی نیست. مثلاً می‌خواهم بدانم که چقدر کتاب

می‌خوانید و معمولاً چه کتاب‌هایی را مطالعه می‌کنید؟

نه به اندازه‌ای که مایلم. ولی بیشتر دوست دارم کتاب‌هایی بخوانم که قطور نیستند. مخصوصاً اگر مجموعه داستان‌های کوتاه و عبرت‌آموز داشته باشد.

■ مثال بزنید؟

مثلاً کتابی که در آن فصل‌ها، داستان‌ها و ماجراهایی درباره آخرت داشته باشد. چون می‌توانم هر شب یک بخش از آن را

پیش از خواب مطالعه کنم.

■ اهل موسیقی هستید؟

نه، هر چند که برای کار در مورد کودکان شاید به آن نیاز داشته باشم. ولی علاقه خاصی ندارم. البته وقتی با خانواده به گردش می‌رویم، بچه‌ها در ماشین رادیو را روشن می‌کنند. من هم می‌شنوم.

■ کجا می‌روید؟

کویت کشور گرمی است. به همین خاطر عصرها و نزدیک شب با خانواده‌ام به کنار دریا می‌رویم.

■ فوتبال می‌بینید؟

کم، ولی می‌بینم.

■ چندی پیش در مسابقه‌ای تیم ملی ایران به تیم ملی قطر باخت، شما چه احساسی داشتید جناب نزار قطری.

انگار من شکست خوردم. من ایران را دوست دارم. وقتی بچه بودیم مدام اخبار جنگ عراق علیه ایران را گوش می‌دادیم و برای مردم ایران دعا می‌کردیم.

چند سال پیش احساس کردم کودکان قشر مظلومی هستند. در مجلس امام حسین (ع) کسی به آنها توجه ندارد، بلکه کل برنامه برای است. صاحبان مجالس دوست دارند مجلس شلوغ و پرشوری داشته باشند

بله، اتفاقاً گاه دو چیز متفاوت هستند. امروز بعضی از افراد مداح‌های استودیویی هستند. یعنی در آن جعبه ضبط بهترین اثرگذاری را دارند.

■ آنها از روی منبر گاه نمی‌توانند احساسات مخاطب را تحریک کنند.

بعضی برعکس هستند. در استودیو نمی‌توانند کار کنند ولی روی منبر بر همه اثر می‌گذارند. عده‌ای نیز در این میان در هر دو مکان خوب عمل می‌کنند.

■ شنیده‌ام شما به تازگی مشغول تولید کارهایی هستید که می‌توان نام

مداحی برای کودکان را گذارد. لباس خاص می‌پوشید و لحن دیگری دارید؟

این موضوع جالبی است. چند سال پیش احساس کردم کودکان قشر مظلومی هستند. در مجلس امام حسین (ع) کسی به آنها توجه

ندارد، بلکه کل برنامه برای بزرگسالان طراحی شده است. صاحبان مجالس دوست دارند مجلس شلوغ و پرشوری داشته باشند. در این مجالس باشکوه کودکان به دست فراموشی

سپرده می‌شوند. در حالی که از آن سوی مرزها مدام فیلم‌ها و تولیدات رسانه‌ای ناسلام برای آنها تهیه می‌شود. از این روز ۳ سال

قبل یک رشته CDهای صوتی برای بچه‌ها پرکردیم که بعد ویدیو کلیپ‌هایی نیز برای آن ساختیم.

این محصولات در کشورهای حاشیه خلیج فارس عرضه می‌شوند. بعضی به من گفتند که در شأن من نیست. ولی اصرار

ممبر فرقی می‌کند؟



سینه و سر زدند.

■ اخیراً کتابی در ایران چاپ شده به نام «رسانه شیعه» که تحقیقی تاریخی درباره نقش رسانه‌های مجالس امام حسین (ع) است. با توجه به قرابت شغلی می‌توانم از شما بپرسم نظراتان در این باره چیست؟

حضرت امام صادق (ع) درس می‌دادند. در همین حین شاعری از راه رسید. امام درس را تعطیل کرد. از شاعر خواستند تا برای شاگردان شعر خود را قرائت کند.

مداحی از قوی‌ترین رسانه‌هایی است که تا به حال دیده‌ام، اگر بخواهیم ایده‌ای را به واسطه استدلال به کسی منتقل کنیم باید از پیچ و خم‌های زیادی بگذریم. ولی شعر مستقیماً قلب شنونده را نشانه می‌گیرد.

مداحی عین رسانه است و رسانه‌های مؤثر هم هست.

■ آیا مداحی در رسانه با مداحی روی منبر فرقی می‌کند؟

آنها در چنین روزهایی اشعاری درباره مواد مخدر، حجاب، تهاجم فرهنگی، علیه آمریکا می‌خوانند. حتی گاه متناسب با همان روز شعری انتخاب می‌شود.

مثلاً اگر به مناسبت شهادت حضرت زینب (س) مجلسی به پا شود احتمالاً شعری در رثای حجاب نیز خوانده می‌شود و مردم نیز سینه می‌زنند.

■ آیا ممنوعیتی در کشورهای حوزه خلیج در مورد عزاداری اعمال می‌شود؟

در بحرین نه. آنها از کسی نمی‌ترسند. ولی در قطر و امارات عزاداری علنی برای امام حسین (ع) خط قرمز است. آنجا فشار زیادی بر روضه خوان‌ها و مداح‌ها وجود دارد و اجازه دهید اطمینان دهم اگر یک بار وارد این دو کشور شوید و در آنجا مداحی کنید، این آخرین بار است که می‌توانید به این کشورها سفر کنید. یعنی ممنوع‌الورود می‌شوید.

■ در کویت چطور؟

امسال برای اولین بار دسته‌های عزاداری به خیابان آمدند و تحت حفاظت پلیس بر

همین محل چند اتاق بود که هر کس مایل بود می‌توانست استراحت کند. این موضوع مربوط به ۷۰ سال پیش می‌شود. در آن زمان حتی آب شرب و نفت راز «دبی» می‌آوردند.

■ نمی‌توانم از شما بپرسم چه می‌کنید پس می‌پرسم چرا مداحی می‌کنید.

من کارمند شبکه تلویزیونی «رای» هستم که یک شبکه خصوصی کویتی است. در آنجا کار مونتاژ خبر را انجام می‌دهم. از این رو به مداحی مثل یک شغل نگاه نمی‌کنم.

بلکه آن را یک وظیفه شرعی می‌دانم. به من گفتند که صدای خوبی دارم با این صدا چه می‌توانم بکنم بهتر از مداحی امام حسین (ع).

■ درست است که می‌گویند این کار را با حفظ و قرائت قرآن شروع کرده‌اید؟

بله؛ از ۸ سالگی شروع به حفظ قرآن کردم. نیمی از مصحف را حفظ کردم و ۷ بار در مسابقات ترتیل و تجوید مقام اول را کسب کردم از همان زمان کودکی شروع و به مرتبه خوانی و مداحی کردم.

■ آیا در زمینه تاریخ مداحی، پژوهش خاصی داشته‌اید؟

من فقط این کار را انجام می‌دهم. ولی احتمالاً در ابتدا در شعرخوانی منحصراً بود. زیرا شنیده‌ایم که آئمه شاعرانی مثل «دعبل خزایی» را برای خواندن شعرهاشان دعوت می‌کردند و بعدها آواز و سینه زدن و... به آن اضافه شده‌اند.

■ شما خود به چه سبکی کار می‌کنید. روش من، شیوه آقای آهنگران یا همان شیوه جنوب ایران است. این شیوه را از زمان جنگ عراق علیه ایران می‌شنیدم و با آن انس داشتم. البته هرگاه می‌بینم در مجلسی روش دیگری را می‌خواهند، از شیوه مورد علاقه خود خارج می‌شوم.

■ دربارۀ مداحی کشورهای حوزه خلیج فارس بگویید؟

در کویت به سبک عراقی و یا جنوب ایران می‌خوانند و سینه می‌زنند. ولی در بحرین ماجرا کمی متفاوت است. از ریتم سریع‌تری استفاده می‌کنند و به لحاظ محتوای شعرها نیز با دیگران فرق می‌کنند. در امارات اساساً به خاطر اینکه

محل تولدم قطر است. نام بسیاری از مردم به مکانی که در آن به دنیا می‌آیند مربوط می‌شود. البته پدر و مادر من اهل «لاره» هستند. یعنی من اصالتی ایرانی دارم. ولی به هر حال در آنجا به دنیا آمدم.

■ چرا به آنجا رفتند؟

برای کار.

■ آنجا چکار می‌کردند؟

همه کار خیاطی و... جالب است به شما بگویم اولین رستوران و اولین هتل که در قطر تأسیس شد به دست پدر من بود. البته یک رستوران مجلل یا هتلی چندستاره نبود. جایی که میز و صندلی و آشپز داشت و مردم می‌توانستند غذا بخورند. بالای

[علیرضا سمیعی]

گروه فرهنگی: دی‌ماه ۱۳۸۶ تصویر

و صدای «نزار القطری» بعد از اخبار شبانه‌گاهی از صدا و سیما بخش شد،

در حالی که داشت در کربلا «انا مظلوم حسین» را می‌خواند. به سرعت در ایران

مشهور شد. او که در قطر، از پدر و مادری ایرانی زاده شده است هم اکنون در کویت

کار و زندگی می‌کند. فارسی را بد صحبت نمی‌کند. مدتی هم در لندن زندگی کرده

و در ایام دهه اول محرم در سفر کوتاهی به ایران آمد. آنچه در پی می‌خوانید

گفت‌وگویی خبرنگار «ایران» است که وقتی وی به روزنامه آمد به سراغش رفت. مقابل او نشست و سؤالاتی از مداحی گرفته تا

فوتبال از او پرسید.

■ شما پدر و مادری ایرانی دارید. ولی با نامی نه چندان ایرانی مشهور شده‌اید؟

چرا؟

نام من در واقع «نزار» نبوده و این خود داستانی دارد. مادرم مرا «نظر علی» نامید.

این اسم به رسم‌الخط انگلیسی فقط با «Z» نوشته می‌شود که معلوم نمی‌کند

کدام یک «ز»، «ظ» و یا «ذ» درست هستند. در واقع هنگام گرفتن پاسپورت

این جابه‌جایی صورت گرفت، وقتی که می‌خواستیم به «فیلیپین برویم» به هر حال وقتی قرار شد از رسم‌الخط انگلیسی

به رسم‌الخط عربی برگردد به این روز درآمد که می‌بینید.

■ چرا «قطری»؟

محل تولدم قطر است. نام بسیاری از مردم به مکانی که در آن به دنیا می‌آیند

مربوط می‌شود. البته پدر و مادر من اهل «لاره» هستند. یعنی من اصالتی ایرانی دارم. ولی به هر حال در آنجا به دنیا آمدم.

■ چرا به آنجا رفتند؟

برای کار.

■ آنجا چکار می‌کردند؟

همه کار خیاطی و... جالب است به شما بگویم اولین رستوران و اولین هتل که در قطر تأسیس شد به دست پدر من بود. البته یک رستوران مجلل یا هتلی چندستاره نبود. جایی که میز و صندلی و آشپز داشت و مردم می‌توانستند غذا بخورند. بالای